

DOI: [10.22034/isqt.2024.11859](https://doi.org/10.22034/isqt.2024.11859)

روش علامه شعرانی در مقام دفاع از اخبار اعتقادی (با التفات به آیات قرآنی)

سمیه حاجی کاظم^{۱*} آقای دکتر ابراهیم نوئی^۲

چکیده

مقام دفاع از اعتقادات در شبهات و عقاید علیه دین، وظیفه پایانی یک متکلم است که برای انجام این کار باید پس از بیان تفاوت‌های شک، سوال، شبهه و عقیده معارض، از روش‌های دفاع از اعتقادات بهره ببریم. شبهه، برخلاف عقیده معارض، قطعاً مغرضانه است و عقاید معارض، شبهات را ایجاد می‌کنند و اگر مغرضانه باشند، نیز از شبهات نشأت خواهند گرفت. ما به منظور بررسی روش‌های دفاع از عقاید از آثار ابوالحسن شعرانی از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده‌ایم. هر چند بیشتر روش‌هایی که استفاده کرده‌ایم، اساس آن برگرفته از کتاب روش‌شناسی علم کلام و سپس تطبیق بر آثار علامه می‌باشند. اما برخی از آنها را نیز خودمان از آثار علامه یافته‌ایم و به دیگر روش‌ها افزوده‌ایم. مانند: همگامی با مخاطب و خود تخریب‌گری در رد شبهات و در رد عقاید معارض نیز روش عدم تعارض با عقل یا عدم استبعاد عقلی را افزودیم. برای همه روش‌ها نیز شاهد مثال‌هایی نیز از آثار علامه آورده‌ایم. پس از بررسی روش‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر معلوم شد علاوه بر آنکه روش‌های رد شبهات اعتقادی در پاسخ به پرسش‌های اعتقادی نیز کاربرد دارند، برخی از آنها با روش‌های رد عقاید معارض دینی نیز مشترک هستند و برخی متفاوتند. همه‌ی روش‌های علامه شعرانی در قرآن هم به کار رفته است و روش هشداردهنده بیش از بقیه استفاده شده است. ممکن است در بررسی یک مثال، ما بیش از یک روش را بیابیم.

کلید واژه‌ها: علامه شعرانی، شبهه، عقیده معارض، دفاع، اعتقادات، قرآن.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام دانشگاه شهید بهشتی؛ s.hajikazemi451@gmail.com

^۲ دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه بهشتی؛ E_noei@sbu.ac.ir

مقدمه

همان‌طور که مسلم است شناخت شبهات و پاسخ‌دهی به آن‌ها در قرآن و حدیث و عقل از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا دین و اعتقادات را از هجوم افکار باطل و انحرافی مصون می‌دارد. دفاع به معنای خاص کلمه، به همین کار اطلاق می‌شود و متکلمان اسلامی نیز کتاب‌های زیادی در رد شبهات مخالفان نوشته‌اند. البته منظور ما از شبهه در اینجا معنای عامی است که سوال را هم در بر می‌گیرد. علامه شعرانی نیز کتاب‌هایی در رد شبهات مخالفان تالیف کرده است. از جمله مشهورترین آن‌ها: راه سعادت (که به رد شبهات یهود و نصاری از نبوت می‌پردازد) است. پیش از این پژوهش‌هایی از جمله روش‌شناسی علم کلام از برنجکار که کلیت روش‌های دفاع را برمی‌شمرد و مقاله روش‌شناسی دفاع از شیخ حر عاملی که به روش‌های دفاع از منظر ایشان می‌پردازد، نگارش شده است. ولی در بحث روش‌های دفاع از منظر علامه شعرانی تاکنون پژوهشی انجام نگرفته است که در این مقاله به این موضوع خواهیم پرداخت. در این تحقیق بررسی خواهیم کرد از نظر ابوالحسن شعرانی چه روش‌هایی برای دفاع از عقاید در برابر شبهه و عقیده معارض وجود دارد؟ این روش‌ها چه مقدار عقلی و چه مقدار نقلی هستند؟ چه تفاوت‌هایی میان شبهه و عقیده معارض و شک و سوال وجود دارد؟ این روش‌ها به چه میزان با یکدیگر مشترک هستند؟ این روش‌ها تا چه حد در قرآن به کار گرفته شده‌اند؟

۱- مفاهیم

۱-۱. چیستی شبهه، شک و سوال و تفاوت آن‌ها با یکدیگر

معنای اصلی شک در لغت، تداخل است و همه لغت‌پژوهان آن را نقطه مقابل یقین دانسته‌اند (صاحب بن عماد، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۱۲۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۷۷/۵) و به حالتی در مقابل یقین معنا کرده‌اند. مثل اینکه دو چیز بر انسان داخل شده و او در میان آن‌ها مردد بوده و یقین ندارد (ابن فارس، ۱۳۵۸: ۱۷۳/۳). در قرآن آیات بسیاری داریم که واژه "شک" در آن به کار رفته و به همین معنا استعمال شده است. به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم. «إِن كُنْتَ فِي شکٍّ مِمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ...» اگر از آنچه بر تو نازل کردیم، در شک و تردیدی... (یونس / ۹۴) «بَلْ هُمْ فِي شکٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ» درباره آخرت در تردیدند و از فهم آن کور دلند (نمل / ۶۶).

شبهه در لغت به معنای مشابه بودن دو چیز در رنگ و صفت می‌باشد و «امر مشتبّه شد»، یعنی کار به مشکل رسید (ابن فارس، ۱۳۵۸: ۲۴۳/۳). عده‌ای آن را التباس دانسته‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۵۰/۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۰۴/۱۳). یا تشابه بین دو چیز (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۲/۴) این واژه در قرآن نیز به همین معنا یعنی امری که غبارآلود باشد، به کار رفته است و فقط یک بار استعمال شده است. «قُولِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ

وَلَكِنْ شَبَّ لَهُمْ» به سبب گفتار (سراسر دروغ) شان که ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. در صورتی که او را نکشتند و به دار نیاویختند و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند (نساء/ ۱۵۷). معنای لغوی سوال، مطلق طلب و خواستن است. (ابن فارس، ۱۳۵۸: ۳/ ۱۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲/ ۲۸۶) یا به دو معنی طلب و سوال به کار رفته است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵/ ۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۲۸۱) این واژه در قرآن نیز گاهی به معنای طلب، «وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» از فضل خدا طلب کنید. (نساء/ ۳۲) و گاهی به معنای سوال (پرسش) به کار رفته است. «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» از تو درباره روح پرسش می کنند (اسراء/ ۸۵).

حضرت علی (ع) به معنای اصطلاحی شبهه اشاره می کند و می فرماید: «انما سميت الشبهة لانها تشبه الحق» (دستی، ۱۳۸۷: ۶۲)، یعنی شبهه می تواند حق را باطل و باطل را حق نشان دهد.

علامه شعرانی یکی از عواملی که باعث ایجاد شبهه در ذهن می شود را غلبه قوه وهم بر عقل می داند و معتقد است اگر عقل، تسلیم وهم شود، ذهن انسان حقیقت را به اشتباه می فهمد و ممکن است مثلاً وهم، شبهه ایجاد کند که موجود محسوس است. پس در مبدا شک می کند پس از آن که به آن معتقد شده بود. این امر از قوه واهمه است که برخلاف تدبیر عقل، مدرک معانی جزئی می باشد (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۱۹).

او در تفاوت شک و شبهه معتقد است حقیقت ریب، نگرانی و اضطراب نفس است. همان طور که امام حسن (ع) در حدیثی می فرماید: رها کن آنچه تو را به تردید می اندازد به سوی آنچه شکی برایت ایجاد نمی کند. حقیقت شک، ریهه است و حقیقت راستی، طمانینه است و اریاب، وصول به ریهه است و قرار گرفتن در آن. معنای دیگر شک، این است که خودتان را در نگرانی و اضطراب گرفتاری در شبهات که با علم مخالفت دارند و مربوط به عمل هستند، نیندازید که کارتان به شک در معلوم و متقن می انجامد و شک نکنید و خودتان را از ورود آن در علم بر حذر دارید که کافر می شوید یا به کفر می رسید (شعرانی؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱/ ۲۰۷).

۱-۲. چستی «عقیده معارض» و تفاوت آن با شبهه

معنای لغوی عقیده معارض، یعنی دو عقیده که مخالف، مقابل، ستیزگر و شکننده برای یکدیگر هستند (معین، ۱۳۸۶: ۱۷۶۳) یا هنگامیکه یکی از دو چیز اعتراض می کند و مانع ورود دیگری می شود (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۴۰۲؛ افرام، ۱۹۰۶م، ۲۳۷) و ضد بودن بین دو چیز (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۰/ ۹۳).

در بیان تفاوت شبهه و عقیده معارض با توجه به آثار ابوالحسن شعرانی باید گفت در برخی مصادیق می توان با مسامحه آنها را یکی دانست ولی مغرضانه بودن شبهه قطعی است و قطعاً هدف تخریب دین دارد. این غرض ورزی غالباً از روی محتوای قابل تشخیص است گاهی از سیاق جملات علامه شعرانی معلوم می شود و گاهی همچون خود ایشان لفظ شبهه را آوردند، ما هم ذیل شبهات آوردیم. عقیده معارض می تواند مغرضانه باشد یا نباشد. در هر صورت لوازم فاسد (شبهات) را ایجاد می کند. ولی اگر مغرضانه باشد، نشأت گرفتنش هم از شبهات می باشد. هر چند که سوال و

شبهه با هم تفاوت‌هایی دارند اما همانطور که گفتیم چون سوال هم نوعی شبهه محسوب می‌شود، روش‌هایی که در پاسخ به شبهات به کار گرفته می‌شوند، در پاسخ به پرسش‌های اعتقادی نیز کاربرد دارند. هر چند که ما قصد نداریم به شواهد پرسش اعتقادی پردازیم چون در این نوشتار نمی‌گنجد و تنها به شواهد رد شبهات و عقیده معارض بسنده می‌کنیم. این روش‌ها در آثار علامه شعرانی در رد شبهات، در موارد زیادی با روش‌های رد عقیده معارض نیز مشترک هستند و در اندک مواردی نیز تفاوت دارند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. در قرآن کریم نیز شواهد بسیاری از طرح شبهات و عقاید معارض و حتی سوال داریم. هر چند که غالباً در مثال‌های قرآنی، شبهه و عقیده معارض به سختی قابل تفکیک از یکدیگر هستند، اما تا حد امکان سعی شده که از یکدیگر تفکیک شوند و بررسی کنیم آیا روش‌های علامه شعرانی در دفاع اعتقادی، بر آموزه‌های قرآن نیز قابل تطبیق می‌باشد؟

۲- هدف، فواید و شرایط پاسخ به شبهات و عقاید معارض دینی

هدف اصلی از پاسخگویی به شبهات اعتقادی، جلوگیری از تزلزل آموزه‌های اعتقادی اسلام و محافظت از این عقاید در برابر موانع پذیرش آنهاست و هدف از رد عقاید معارض، پیشگیری از تولید شبهه می‌باشد. اما فواید رد شبهات این است که ذهن متکلم تقویت می‌شود و فهم مخاطب نیز نسبت به ابعاد مختلف آن آموزه عمیق‌تر می‌شود یا ممکن است هنگام پاسخگویی به شبهه، مباحث جدید هم مطرح شود که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته بود. فواید رد عقیده معارض هم این است که دیگر کسی به عقیده معارض خود اصرار نمی‌کند و پایبند نمی‌ماند و از طرفی هم عقاید صحیح تقویت می‌شوند. شرایط پاسخ به شبهات و عقاید معارض دینی نیز موارد زیر است:

۱. توجه به پاسخگو (در واقع متکلم در پاسخ به شبهه نمی‌تواند فقط به بیان روایت اکتفا کند (مانند اهل حدیث) و باید حتماً از مجادله احسن بهره‌برد. پس لازم است مسلمات و مشهورات و آراء محموده را بداند).

۲. توجه به سطح فهم مخاطب و احترام به او.

۳. توجه به زمان و مکان که چه رویکردی باید اتخاذ کرد.

۴. توجه به موضوع و ابعاد مختلف آن. (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۱۴/۵؛ برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۳-۱۸۶ و ۲۰۰-۲۰۳).

در این تحقیق به روش‌های پاسخگویی از لحاظ شکل پاسخگویی پرداخته خواهد شد و نه ماده و محتوای آن. ابتدا روش‌های مشترک میان شبهه و عقیده معارض را بررسی می‌کنیم. در رد شبهات، روش همگامی با مخاطب و خود تخریب‌گری و در رد عقاید معارض دینی، روش عدم تعارض با عقل (عدم استبعاد عقلی) به صورت مستقل و از آثار علامه شعرانی به روش‌های دیگر افزوده شده است.

۳- روش‌های مشترک میان پاسخ به شبهه و عقیده معارض

همانطور که توضیح دادیم برخی از روش‌ها مختص شبهه یا عقیده معارض هستند و برخی میان آن دو مشترک می‌باشند. در اینجا به روش‌های مشترک اشاره می‌کنیم:

۳-۱. پاسخ به شبهه یا عقیده معارض بر اساس مبانی شبهه کننده یا نقاط مشترک

در رد شبهات، مسلماً متکلم باید نقطه شروع پاسخ خود را اعتقادی قرار دهد که شبهه کننده نیز به آن معتقد است. با این کار در رد عقیده معارض هم، راه انکار بسته خواهد شد. مثلاً قضایای بدیهی و وجدانی می‌توانند نقطه شروع مناسبی باشند. همانطور که در قرآن کریم می‌فرماید: قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم. (آل عمران/ ۶۴). شعرانی نیز معتقد است احتجاج با خصم، باید با ابزاری باشد که خصم به آنها اعتراف کرده و آن را قبول دارد و گرنه حجت تمام نمی‌شود (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ۶: ۱۱۵). مثلاً رد شبهه به احادیث و روایات با خصمی که یا ملحد منکر خداست و یا ادعای اسلام دارد و صحت کلام نبی دارد ولی منکر رسالت است، بی‌فایده است و رد شبهه با احادیث، فقط برای کسی که مسلمان است انجام می‌شود (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ۵: ۱۲۳/ برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۷-۱۹۷).

برای مثال شبهه حقانیت معجزه که ادعا می‌کند معجزات پیامبر (ص) را اصحاب و اقربا و زوجات او روایت کرده‌اند و اعتبار به صحت آنها نیست.

علامه در پاسخ به این شبهه از خود کتاب مقدس که مبانی مورد قبول مخاطب است استفاده کرده و اینگونه شبهه را رد می‌کند که معجزات موسی و عیسی (ع) هم اصحاب آنها نقل کردند و اگر معجزه حضرت موسی (ع) را یک نفر روایت کرد معجزات مسیح (ع) را چهار تن روایت کردند و معجزات پیامبر (ص) را هزاران تن (شعرانی، ۱۳۶۳: ۱۲۱۱).

علامه شعرانی در رد عقیده معارض با معجزه بودن قرآن از روش ذکر مبانی مخاطب بهره می‌برد. او در پاسخ به مبانی و باورهای مقبول شخص معارض (مانند حجیت تورات و لزوم پذیرش آن) تکیه می‌کند و می‌گوید: مطابق آنچه در سفر خروج آمده، این هارون (ع) برادر حضرت موسی (ع) بود که گوساله زرین را ساخت و باعث بت پرستی امت حضرت موسی (ع) شد (هرچند مطابق قرآن، این اقدام را سامری انجام داد و نه حضرت هارون (ع)). این در حالی است که مطابق سفر تثئیه حضرت موسی (ع) فرمود: هر کس مردم را به پرستش موجودی جز خداوند دعوت کند باید کشته شود. بنابراین اگر هارون (ع)، گوساله را ساخته بود و امت را از پرستش خداوند منحرف ساخته بود، باید توسط حضرت موسی (ع) کشته می‌شد و چون هیچ گزارشی حکایت از آن ندارد که حضرت موسی (ع) برادرش هارون (ع) را از این بابت کیفر داد، روشن می‌شود که هارون آن مجسمه زرین گوساله را به وجود نیاورده بود. علامه شعرانی به شخص معارض با معجزه بودن قرآن، یادآور می‌شود که قرآن به حق در این باره سخن گفته است و از این

جهت گرفتار ناسازگاری موجود در تورات نشده است و ساخت مجسمه را نه به حضرت هارون (ع) بلکه به سامری نسبت داده است. بنابراین قرآن کتاب حقی است که با اعتماد به آن می توان انحراف های ایجاد شده در تورات را آشکار ساخت. خداوند این مطلب را در آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ» بیان کرده است (شعرانی، ۱۳۶۳: ۱۰۳ و ۱۰۴).

قرآن کریم در آیه ای در برخورد با عقیده معارض یا شبهات اهل کتاب، از روش استفاده از مبانی مشترک بهره برده است. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.» در این آیه از اهل کتاب می خواهد که به جای اینکه به اختلافات نظر کنند، به عقاید مشترک میان آنها و اسلام توجه کنند که عبارت است از اینکه جز خدای یکتا را نپرستند و چیزی را با او شریک قرار ندهند و به برخی به عنوان ربوبیت تعظیم نکنند (آل عمران/ ۶۴).

۲-۳. پاسخ به شبهه یا عقیده معارض با روش طرح سوال

در این روش پاسخگو به جای تبیین مسئله و استدلال، با طرح یک یا چند سوال خود را در جایگاه پرسشگر قرار می دهد و از موضع دفاعی به موضع فعال و تهاجمی تغییر جهت می دهد. وقتی مطلبی به صورت قطعی از متکلم بیان شود، ذهن مخاطب در مقابل آن موضع گیری و مقاومت می کند اما وقتی که در قالب سوال مطرح شود و پاسخ آن از کنه وجدان و قلب مخاطب طلب می شود، مخاطب با انعطاف و همراهی بیشتری به آن می نگرد. این روش و ارائه مثال، از مصادیق پاسخ های نقضی یا جدل می باشد که استدلال شبهه گر را تخریب می کند و زمینه را برای پاسخ حلی فراهم می آورد. در واقع وقتی با ذکر سوال و مثال، جدل کرده یا پاسخ نقضی می دهیم، فقط برای تبکیت است نه تحقیق برهانی (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۹ و ۲۰۸).

علامه شعرانی در رد شبهه خلقت شیطان و جن و فرشته از روش عقلی ذکر سوال بهره می برد. او در شبهه ای که گفته می شود شیطان و جن و فرشته مادی اند؛ با ذکر سوالی (هرچند صرفاً ناظر به خلقت جن) پاسخ می دهد: اگر شیاطین مادی (از جنس ماده خلقت انسان) باشند، چگونه (مطابق برخی اخبار: ... یجری فی الإنسان مجری الدم) در خون آدمی وارد رگ ها می شوند؟ همچنین چگونه از درهای بسته وارد می شوند؟ و چگونه بدون هیچ اثری در هوا حرکت می کنند؟ (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۵۹/۱۰ تا ۱۶۱).

علامه شعرانی در رد عقیده معارضی که میان صحت عبادت فردی و قبول آن عمل عبادی تفاوت می نهد به روش عقلی ذکر سوال روی می آورد. به گفته وی برخی از حشویه و جهال اهل حدیث قائلند که ممکن است عملی صحیح باشد ولی مقبول خداوند قرار نگیرد. علامه شعرانی از اینان می پرسد که وقتی خداوند به چیزی امر کند و مکلف هم آن را انجام دهد عقلاً و نقلاً مستحق ثواب خواهد بود (مطابق آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ») حال چگونه می توان

ادعا کرد این عمل صحیح بوده ولی مقبول نیفتاده و مستحق هیچ ثوابی نخواهد بود؟ آیا این به تخلف از وعده نمی‌انجامد؟ آیا چنین تخلفی بر خداوند (و هر شخص دیگری) قبیح نیست؟ (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۴۰/۱)

طرح سوال در بسیاری از آیات قرآن کریم به کار رفته است. به موردی از آن اشاره می‌کنیم. «وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ..... قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ..... نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ فَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» هنگامیکه عده‌ای در معاد شبهه می‌کنند و مطرح می‌کنند که چطور بعد از اینکه خاک شدیم دوباره زنده می‌شویم؛ قرآن پس از اینکه بیان می‌کند ما شما را آفریدیم، در ادامه پاسخ دهی از شیوه طرح سوال استفاده کرده و سوالاتی را اینگونه می‌فرماید: آیا ندیدید که نخست شما نطفه‌ای بودید؟ آیا شما خودتان آن نطفه را به صورت انسان آفریدید یا ما آفریدیم؟ (یس/ ۴۷ تا ۵۹)

۳-۳. پاسخ به شبهه و عقیده معارض با روش ارائه مثال

یکی از قالب‌های موثر و متداول در انتقال مفاهیم، استفاده از مثال است. به خصوص برای افرادی که توانایی درک و فهم مطالب علمی سنگین را ندارند. به دلیل اینکه در مقام رد شبهات و عقاید معارض هستیم، غالباً در روش ارائه مثال، مثال نقضی می‌آوریم (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۹۰ و ۱۹۷).

علامه درباره شبهه‌ای از علم خدا که گفته می‌شود آیا احتمال تخلف در علم خدا و قضایش هست؟ با ذکر مثالی پاسخ می‌دهد: احتمال خطا در علم الهی نیست و این البته مستلزم جبر هم نیست؛ همچنانکه از معصومان گناهی مانند سرقت صادر نمی‌شود و علم‌شان به مفساد این گناه موجب مجبور شدن آنها نمی‌شود. درباره عموم انسانها هم علم آنها به مضر بودن تناول کثافات مانع از انجام این اقدام می‌شود و البته این علم به سلب اختیار از او نمی‌انجامد. علامه در شبهه‌ای از قضا و قدر در مقابل کسانی که منکر تقدیر شده‌اند، با ذکر مثالی نقض، شبهه آنها را اینگونه رد می‌کند. ما می‌دانیم هر کس در آتش بیفتد فرار می‌کند. پس معلوم بودن عمل از پیش منافاتی با اختیار ندارد (شعرانی، بی تا: ۷۲).

علامه شعرانی در رد نظریه داروین از روش ذکر مثال نقضی، بهره می‌گیرد. مطابق داروینیسم طبیعت در بین افراد یک نوع برای بقا، افراد قوی‌تر و بهتر را انتخاب می‌کند و علتش این است که زمین گنجایش تمام موالید نسل‌ها را ندارد و این انواع با ارثی شدن صفات عارضه نوع جدید می‌شوند. علامه شعرانی ضمن مثال نقضی می‌گوید اگر گاو و گوسفند را در یک مزرعه رها کنند و فرض کنیم گاوان مانع چرای گوسفندان شوند، نتیجه طبیعی این می‌شود که گوسفندها بمیرند و گاوها بمانند. آیا این از امر می‌توان نتیجه گرفت که نوع گوسفند به نوع گاو تبدیل می‌شود. از آنجا که استفاده از مثال، همیشه ملموس‌تر مطلب را منتقل می‌کند؛ قرآن کریم نیز از این روش در بسیاری از موارد استفاده کرده است. در برخی موارد، مثال را برای توضیح مطلبی بیان کرده است. اما در برخی موارد آن را در مقابل شبهه یا عقیده معارض بیان فرموده است. از جمله «ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ

يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ. قرآن در پاسخ به کسانی که معاد را انکار کرده یا در مورد آن شبهه می‌افکندند که چه کسی می‌تواند استخوان‌هایی که چنین پوسیده شده را زندگی بخشد؟ مثال می‌زند به آفرینش نخستین و بیان می‌کند همان کسی که نخستین بار آفریده، پس از مرگ هم حیات می‌بخشد (یس / ۷۸ و ۷۹).

۳-۴. پاسخ به شبهه و عقیده معارض با نقد و رد مبنای شبهه یا عقیده معارض

در هر شبهه‌ای ابتدا باید مبانی آن را مورد توجه قرار دهیم و اگر مبنای آن سست باشد، در اولین قدم به پایه‌های آن حمله می‌کنیم و آن را فرو می‌ریزیم. (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۹۴ و ۲۰۳) علامه شعرانی در رد شبهه مضطر بودن خدا از روش رد مبنای شبهه بهره می‌برد. برخی متکلمین که حدوث ذاتی عالم را پذیرفتند و اعتراف کردند که پذیرش حدوث عالم، مستلزم معلولیت و مخلوقیت موجودات است و از این جهت نشان از وجود خداوند دارد. آنان بلافاصله این شبهه را مطرح می‌کنند که فاعل مختار باید معلولش حادث زمانی باشد، وگرنه فاعل مضطر می‌شود و فعلش مانند ساطع شدن نور از خورشید غیر اختیاری می‌شود. علامه شعرانی با رد مبنای شبهه آنها معتقد است ممکن است فاعل مختار دائما بخواهد بر چیزی افاضه کند و وجهی ندارد که او را به خورشید تشبیه کنیم. بله اگر خورشید فاعل عاقل عالم مختار فاعل به اراده بود و صدور نور از او به اختیارش بود و دائمی بود، ذکر چنین مثالی وجهی داشت اما درباره خداوند نمی‌توان این مثال را مطرح کرد (شعرانی؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

علامه شعرانی در رد عقیده دیدگاه قدریه و قول آنها به تقویض با بهره‌گیری از روش رد مبنا، مبنای اعتقادشان را رد می‌کند؛ چون هر عقیده‌ای که به جبر یا تقویض بینجامد غلط است. زیرا انسان را مستقل از خدا در نظر می‌گیرد (شعرانی، مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۲/۵).

در برخی موارد در قرآن کریم، اساس و پایه‌های عقیده‌ای رد شده و برآن نقد دلیل نیز آورده شده است. مثلاً در آیه: «قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكَ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكَ أَوْ يَضُرُّونَ... الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» حضرت ابراهیم (ع) در رد عقیده باطل بت پرستان و پاسخ به شبهات آنها، مبانی بت پرستان را در جملاتی به نقد می‌کشد و می‌فرماید نه تنها خالقیت (که بت پرستان هم برای خدا می‌دانند) از آن خداست بلکه هدایت گری که از شئون توحید ربوبی است و غذا دادن و سیراب کردن و شفا دادن و میراندن و زنده کردن نیز که از مصادیق توحید افعالی می‌باشد، فقط از آن رب‌العامین است و اینکه مشرکان در مبانی خود، توحید ربوبی و توحید افعالی را به بت‌ها نسبت می‌دهند؛ عقیده اشتباهی است چون وقتی بت‌ها را بخوانید، آنها قادر به شنیدن نیستند و نفع و ضرری نمی‌توانند به شما برسانند (شعراء / ۷۸ تا ۸۲). در این شاهد مثال، هم سوال به کار رفته و هم رد مبنای شبهه‌کننده.

۳-۵. پاسخ دهی با نقد و رد لوازم شبهه یا عقیده معارض

گاهی شبهه یا عقیده معارض ناشی از عدم توجه به لوازم ادعاست و اگر شخص از لوازم ادعایش آگاه شود، دست از شبهه و عقیده معارض خود می‌کشد. یا اینکه شرایط به گونه‌ای است که رد لوازم شبهه و عقیده معارض، موثرتر از رد مبنای شبهه است (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۹۵ و ۲۰۴).

علامه شعرانی در رد شبهه وجود خدا که منکران صانع با دلایل مختلفی مطرح می‌کنند که مبنای مختلفی هم دارد، با بهره از روش ذکر لازمه، به آن پاسخ می‌دهد و در پاسخ، این شبهه که جهان اتفاقی به وجود آمده است. معتقد است لازمه پذیرش این شبهه، ترجیح بلا مرجح است که محال می‌باشد و شیء تا زمانی که وجودش واجب نشود، به وجود نمی‌آید (شعرانی، مازندرانی، ۱۳۸۲، ۳: ۱۳).

علامه شعرانی در رد عقیده معارض اعتقاد به زمانمند بودن خدا، با روش عقلی رد لازمه‌اش آن عقیده باطل را رد می‌کند. از این رو به سخن کسانی توجه می‌دهد که خداوند را موجودی زمانی می‌دانند و معتقدند زمانی بوده که عالم خلق نشده بود و خداوند تنها موجود زمانی بوده است. علامه شعرانی در ردّ این پندار لوازم نادرست آن را یادآور می‌شود؛ زیرا زمان، مقدار حرکت است و لازمه حرکت داشتن، جسم بودن است و اگر برای خدا زمان فرض کنیم، آن را جسم دانسته ایم (شعرانی، فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۳۴۹).

«وَتَاللّٰهِ لَا كَيْدَ اَصْنَامِكُمْ بَعْدَ اَنْ تَوَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا اِلَّا كَبِيْرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ قَالُوْا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِالْهَيْتٰنِ اِنَّهُ لَمِنَ الظّٰلِمِيْنَ قَالُوْا سَمِعْنَا فَتٰى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرٰهِيْمُ قَالُوْا فَاَتَوْا بِهٖ عَلٰى اَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُوْنَ قَالُوْا اَاَنْتَ فَعَلْتَ هٰذَا بِالْهَيْتٰنِ يَا اِبْرٰهِيْمُ لَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيْرُهُمْ هٰذَا فَسَلُّوْهُمْ اِنْ كُنُوْا يَنْطِقُوْنَ» در این آیات لازمه قابل پرستش بودن بت‌ها، عالم بودن و نطق داشتن و حیات داشتن و صحبت کردن است و چون آیه نشان می‌دهد که بت‌ها قادر به انجام این امور نیستند، پس قابل پرستش نیز نیستند (انبیاء / ۵۷ تا ۶۳).

۳-۶. همگامی با مخاطب در رد شبهه یا عقیده معارض

همانطور که اشاره کردیم، بحث با مخاطب زمانی نتیجه می‌دهد که از یک نقطه مشترک شروع شود. اما گاهی اوقات که یافتن نقطه مشترک برای متکلم سخت است، متکلم از فتونی استفاده می‌کند مانند: همگامی با مخاطب یعنی با مماشات با مخاطب، نقطه‌ای را مشترک فرض می‌گیرد (برنجکار، ۱۳۹۸: ۲۰۵).

علامه در شبهه‌ای از علم خدا که گفته می‌شود علم، اضافه‌ای است که حتما باید عالم و معلوم به آن منتسب باشند تا علم تحقق یابد و اگر عالم و معلوم نباشند حصول علم معقول نیست. ابتدا با نظر مخاطب مماشات کرده و پاسخ می‌دهد: اگر فرضاً اضافه بودن علم را هم بپذیریم، حتما این اضافه نیازمند وجود دو طرف اضافه در زمان واحد نیست. مثل سایر امور متقدم و متاخر که بین‌شان اضافه وجود دارد (شعرانی، مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳/۳۳۳).

علامه شعرانی در رد عقیده معارض داروینیسیم که برخی از داروینی‌ها گفته‌اند: آثار انسان در طبقات نزدیک به سطح زمین و آثار حیوانات ناقص‌تر در اعماق دورتر پیدا شده است. پس سایر حیوانات زودتر موجود بوده‌اند و زودتر زیر خاک رفته‌اند و انسان بعداً موجود شده است، با عقاید مخاطب مماشات می‌کند و می‌گوید: ما می‌گوییم این تجربه بر فرض صحت، دلالت می‌کند بر تأخر انسان در وجود نه بر تحول وی از آن‌ها (شعرانی، بی تا: ۵۳ و ۵۴).

«فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» حضرت ابراهیم (ع) در برخورد با غیر خداپرستان از شیوه همگامی با مخاطب بهره می‌برد تا ابتدا خودش را به ظاهر از آن‌ها نشان دهد و با نزدیک شدن به آن‌ها بتواند بهتر آن‌ها را نقد کند. او هنگامیکه با ستاره پرست‌ها مواجه شد، در قدم اول با آن‌ها همراهی کرده و به ظاهر ابزار پرستش ستاره و ماه و خورشید را می‌کند و در ادامه به آن قوم بیان می‌کند که چون اینها افول می‌کنند، شایستگی پرستش ندارند و عقیده باطل یا شبهه آن‌ها را رد می‌کند (انعام/ ۷۶ تا ۷۸).

۴- روش‌های مختص به رد شبهات

همانطور که اشاره کردیم در میان روش‌های رد شبهه یا عقیده معارض، برخی از آنها مختص هستند. در اینجا به روش‌های مختص رد شبهات می‌پردازیم:

۴-۱. پاسخ به شبهه با روش تبیین واژه‌ها

گاهی شبهه به دلیل جهل به معنای حقیقی واژه است. در این گونه موارد تبیین واژه، شبهه را برطرف می‌کند یا تبیین واژه، مقدمه‌ای برای پاسخ به شبهه می‌شود (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۸).

مثلاً برخی شبهه‌ای را ناظر به برخی از اخبار معصومین ناظر به مشیت و اراده الهی وارد کرده‌اند که چرا در این اخبار تعیین ذاتیات و حدود آنها «مشیت» نامیده شده و التفات به عوارض لازمه آن ذاتیات «اراده» خوانده شده است؟ به تعبیر دیگر: چرا مشیت اختصاص به ذات و اراده اختصاص به عرض دارد؟ علامه شعرانی به این شبهه چنین پاسخ می‌دهد: ممکن نیست که ما به این تفصیل و فرق بین ذات و عرض آگاهی بیابیم و این از اسرار و علوم آخرت است که امام به سخن خود آگاه‌تر است. اما برای تقریب معنا به ذهن می‌گوییم: هر یک از ذات و صفات شیء، نشانگر اسمی از اسماء خداست و بر صفتی از صفات خدا دلالت دارد و بعید نیست که مشیت که صفتی متناسب با ذات و ذاتیات باشد و اراده صفتی متناسب با عرض و عوارض. مشیت اصل و اراده فرع بر مشیت باشد. از این رو مناسب است که مشیت در صدور ذاتیات و اصول و اراده در صدور عوارض و فرعیات باشد (شعرانی، مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۵۲/۴).

گاهی تبیین صحیح واژه‌ها، پرده از یک حقیقت بر می‌دارد و شبهه را رفع می‌کند. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ

لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» قرآن کریم در پاسخ به شبهه‌ای که بیان می‌کند برخی از کسانی که ایمان آوردند، پس چرا قلبشان با دستورات الهی انس کامل نگرفته است؟ بیان می‌کند که اینان فقط اسلام آوردند نه ایمان. (حجرات/ ۱۴) پس با تبیین دو واژه اسلام و اسمان، مسئله روشن شده و شبهه برطرف شد.

۲-۴. پاسخ به شبهه با روش پاسخ حلی

پاسخ حلی با ارائه دلیل و برهان انجام می‌گیرد و در بسیاری از موارد پس از پاسخ نقضی می‌آید. البته گاهی نیز همان پاسخ نقضی برای رد شبهه کافی است (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۹۱).

مثلاً علامه در رد این شبهه ناظر به اراده خدا: «اراده حق تعالی قدیم است؛ بلکه عین ذات اقدسش است. پس تخلف معلول از علت تامه جایز نیست» چنین پاسخ می‌دهد: اراده در خدا و در انسان بسیار متفاوت است و در انسان، به معنای اندیشه و شورش دل می‌باشد ولی در خدا، یا بر علم او اطلاق می‌شود (علمی که به کار خیر تعلق می‌گیرد و این اراده از صفات ذاتی است) یا بر صدور فعل از او که این از صفات ذاتی نیست و بر هیچ یک اشکال نیست. اگر علم است قدیم است و اگر فعل است شاید حادث باشد. اما تخلف معلول از علت تامه و ربط حادث به قدیم سخنی دیگر است (شعرانی، سبزواری، ۱۳۶۲: ۳۶). در قرآن کریم نیز این شیوه استفاده شده است. «ام اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» قرآن کریم در پاسخ به کسانی که خدایانی از زمین برگرفته و آن‌ها را جان آفرین پنداشتند، استدلال حلی آورده و می‌فرماید چنانچه بیش از یک خدا داشته باشیم، فساد، زمین را می‌گیرد (انبیاء/ ۲۱ و ۲۲).

۳-۴. پاسخ به شبهه با نشان دادن تضاد در عقاید شبهه‌کننده

ناسازگاری و دوگانگی در اجزای عقاید یک فرد، دلیل سستی و ضعف عقاید اوست و با نشان دادن این تضاد، شبهه برطرف می‌شود (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

شبهه تضاد داشتن در عقیده امامت، این چنین است: به چه دلیل «اولی الامر» را در امامان شیعه منحصر می‌سازید و چرا آن‌ها به همه خلفا و حکام تطبیق نمی‌دهید؟

علامه در پاسخ به این شبهه اظهار می‌دارد بسیاری از خلفا مانند یزید و ولید فاسق بودند (به اجماع همه مسلمانان) و یزید امر به کشتن حضرت سیدالشهدا کرد و ولید اتباع خود را امر کرد برای او شراب بر بالای خانه کعبه برند. حجاج بن یوسف ثقفی امر کرد کعبه را به منجنیق ببندند و خراب کنند و جلادان خود را امر می‌کرد پارسایان و نیکان را در مجلس او گردن می‌زدند. اگر اطاعت این فرمانروایان واجب باشد قتل نفوس محترمه و هتک حرمت به کعبه واجب می‌شود و بالتبع در احکام خداوند ناسازگاری رخ خواهد داد (شعرانی، ۱۳۶۳: ۱۰۶ و ۱۰۷). در قرآن کریم نیز از این روش استفاده شده است. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ

خَلَقَ» هنگامیکه یهود و نصاری ادعا می کنند ما فرزندان خدا و عزیزان او هستیم و با بقیه متفاوتیم، قرآن با یادآوری عقیده دیگرشان (عذاب گناهکار در ادیان) که متضاد با این سخن است، آن‌ها را به تأمل وادار می کند. در این مورد هم سوال به کار رفته و هم تضاد در عقاید شبهه کننده.

۴-۴. پاسخ به شبهه با روش طرح احتمال

گاهی شبهه کننده فقط به یک احتمال توجه کرده و ابعاد دیگر مسئله را نمی بیند. طرح احتمالات مختلف کمک می کند استدلال شبهه گر مخدوش شود (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۷-۱۹۷).

شبهه ای در عقیده مدرک بودن نفس، آن است که اگر چه مدرک حقیقی خود نفس است و این آلات حس که داریم مدرک نیستند، اما وجود آنها شرط ادراک است و روح پس از مفارقت بدن این آلات را ندارد پس نباید پس از مفارقت از این آلات بتواند جزئیات را ادراک کند. علامه شعرانی در پاسخ معتقد است همانطور که در خواب با حس مشترک ادراک می کنیم؛ احتمال دارد نفس نیز پس از مفارقت بدن، بی حس مشترک و به علم حضوری ادراک جزئیات کند (بدون استفاده از آلات جسمانی). باید توجه داشت که اگر ما به هنگام خوابیدن، رؤیا نمی دیدیم گمان می کردیم بدون استفاده از چشم نمی توانیم هیچ چیزی را ببینیم (شعرانی، ۱۳۶۳: ۱۲۶).

در قرآن کریم نیز این روش مطرح شده است. «فَسَيَقُولُونَ مَنْ يَعِدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيباً» در پاسخ به کسانی که شبهه می کنند و معاد را انکار کرده و با مسخره کردن می پرسند کی برپا می شود؟ قرآن کریم این بار به صورت طرح امکان و احتمال پاسخ می دهد و بیان می کند که احتمال دهید قیامت نزدیک باشد و در آینده ای نه چندان دور اتفاق بیفتد.

۴-۵. پاسخ به شبهه با روش خود تخریب گری

در این روش یا خود شبهه گر، شبهه خود را پاسخ می دهد و تخریب می کند و یا خود شبهه خود را تخریب می کند. شاهد مثال ما در این تحقیق خود شبهه گر است که شبهه اش را تخریب کرده و پاسخ می دهد.

شاهد مثال آن در شبهه ای ناظر به تسلیم مردم نسبت به نبوت پیامبر اسلام می باشد که برخی شبهه کرده اند که اسلام با اعمال زور شمشیر و طمع در غنائم پیشرفت کرد و مسلمانان صدر اسلام ایمان نداشتند و پیغمبر را به پیغمبری نمی شناختند. علامه شعرانی در پاسخ به این شبهه از روش عقلی خود تخریب گری و پاسخ حلی و مثال استفاده کرده است و معتقد است این مستشکل (یعنی مولف کتاب میزان الحق) خود این شبهه را وارد کرده و و خود او در کتاب مزبور می گوید: سبب عمده پیروزی لشکر اسلام اعتقاد مسلمانان بود و اعتماد بر آن آیات که در ضمن آن ها حکم به جهاد آمد و به کشتگان مرتبه شهادت با همه نعمت های بهشت در قرآن وعده داده شده است. پس خود او جواب خود را داده و اقرار به غلط بودن دعوی اول خود کرده است و شبهه خود را تخریب کرده است.... (شعرانی، ۱۳۶۳: ۲۸۷). در قرآن کریم نیز روش خود تخریب گری به کار رفته است به گونه ای که خود شخص شبهه گر، شبهه خود را دفع

می‌کند. «وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ..... قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ» در داستان ساحران دربار فرعون و معجزه حضرت موسی (ع)، ابتدا ساحران امید داشتند بر حضرت موسی (ع) پیروز شوند؛ زیرا او را ساحر می‌دانستند ولی در نهایت ایمان آوردند که او ساحر نیست و پیامبر است و کار او معجزه‌ای از جانب خداست. (اعراف/ ۱۱۳-۱۲۱).

۵- روش‌های مختص به رد عقاید معارض

۵-۱. مطالبه دلیل از طرف مقابل

در برخی موارد مخاطب نسبت به عقیده خود دارای استدلال محکم عقلی نیست و عقیده‌اش را بر پایه‌های سستی بنا کرده است. در این شرایط بهترین روش برای رد عقیده او، مطالبه دلیل از او برای همان ادعایش می‌باشد. چون مسلماً توانایی ارائه دلیل محکم منطقی را نخواهد داشت. بنابر این از عقیده خود دست بر می‌دارد یا تجدید نظر خواهد کرد (برنجکار، ۱۳۹۸: ۲۰۸).

مثلاً برخی از پیروان داروین گفته‌اند: در اعماق زمین جمجمه‌ای یافت شده که از سر بوزینه کاملتر و به جمجمه انسان نمی‌رسد. به این دلیل می‌گوییم انسان در اصل بوزینه بوده و بعد از آن به صورت این حیوان مجهول و بعد از آن به صورت انسان در آمده است. علامه شعرانی در رد این سخن از روش مطالبه دلیل از طرف مقابل بهره می‌برد و از صاحب این عقیده می‌خواهد که برای ادعایش دلیل بیاورد و توضیح دهد به چه دلیل این حیوانات جدا جدا و مستقلاً خلق نشده‌اند؟

در قرآن نیز این مطالبه‌گری دلیل صورت گرفته است. «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» این آیه از کسانی که ورود به بهشت را منحصر به خودشان می‌دانستند، مطالبه دلیل می‌کند (بقره/ ۱۱۱).

۵-۲. عدم تعارض یا استبعاد عقلی

هنگامی که ما بتوانیم نشان دهیم که گزاره‌ای با عقل معارض نیست یا استبعاد عقلی ندارد. علامه شعرانی در رد عقیده معارض بدعت بودن تلقین، فاتحه و خیرات و یاسین برای مرده (برخی به دلیل انس با کتب ابن تیمیه و ابن قیم و... به آیاتی مانند «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» تمسک کرده و عبادت به نیت اموات، تلقین و خیرات و فاتحه و یاسین را برای مرده بدعت می‌شمارند)، از روش نشان دادن عدم تعارض فاتحه و خیرات برای مرده با عقل پیش رفته و به آنان یادآور می‌شود که این امور از قبیل اموری نیست که عقل هم ارتکاب آنها را قبیح بشمارد (شعرانی، ۱۳۸۶: ۵۳۴/۱). کافران در این آیه، «إِذَا مَنَّا وَ كُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ» معاد را بعید دانسته و برایش استبعاد قائلند. اما در ادامه قرآن می‌فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ» یعنی معاد استبعادی ندارد و برخلاف نظر کافران بعید نیست (ق/ ۳).

۵-۳. برخورد هشدار دهنده

گاهی لازم است برای نشان دادن اشتباه واضح مخاطب، فقط یک جمله بگوییم تا او را به تامل واداریم (برنجکار، ۱۳۹۸: ۲۰۸). علامه شعرانی در رد سخن منکران ازلی بودن علم خدا از روش برخورد هشداردهنده بهره می‌برد. شخصی در نزد امام اینگونه استدلال کرد: «اگر برای خدا علم ازلی ثابت کنیم، با توجه به اینکه کسی جز او نبوده، گویا چیزی (علم) را با او در ازل تصور کرده‌ایم». این استدلال، امتناع ازلی بودن علم خدا را به دلیل توحید و وجود منفردش در ازل (که کسی با او نبوده) نشان می‌دهد و اگر علم ازلی داشته باشد، یعنی وجود دیگری غیر از او را در ازل تصور کرده ایم و ما می‌دانیم خدا غیری ازلی نداشته است. و ظاهر این استدلال آنقدر سخیف بود که امام دیگر به ابطال آن نپرداخت و ضمن هشدار در جواب فقط فرمود: «علم خدای سبحان ازلی است» (شعرانی؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۴۵۱/۱) این روش در قرآن کریم بسیار استفاده شده است. می‌توان آن را پرکاربردترین روش دانست چون اساس رسالت قرآن بیدار ساختن مردم از غفلت است. زیرا بسیاری از اوقات مخاطب قرآن، کسی است که پاسخ مسئله‌ای که در آن شبهه کرده را کاملاً می‌داند اما با کفرش آن را انکار می‌کند. بنابراین تمام آیاتی که در آن‌ها برای پاسخ‌دهی به شبهه، بلافاصله سوالی را مطرح می‌کند یا بلافاصله مثالی را می‌فرماید و اینگونه به پاسخ‌دهی می‌پردازد بدون اینکه مستقیماً بیان کند؛ از قبیل برخورد هشداردهنده هستند. که به مثال‌های آن اشاره کردیم.

نتیجه‌گیری

با بررسی در آثار علامه شعرانی دریافته‌ایم وی در دفاع از عقاید دینی هم از روش‌های عقلی و هم نقلی بهره گرفته است که می‌توان گفت همه آنها عقلی‌اند به غیر از تبیین واژه‌ها و استفاده از مبانی مشترک که هم می‌تواند عقلی و هم نقلی باشد. روش‌هایی که او مختص رد شبهات به کار گرفته است عبارتند از: تبیین واژه‌ها، پاسخ حلی، نشان دادن تضاد در عقاید شبهه‌کننده، طرح احتمال و خود تخریب‌گری و روش‌های مختص رد عقاید معارض دینی عبارتند از: مطالبه دلیل از طرف مقابل، عدم استبعاد عقلی، برخورد هشداردهنده. بقیه روش‌ها نیز میان این دو مشترک می‌باشند. برخی از این روش‌ها از مصادیق جدل می‌باشند مانند: روش ذکر سوال و ذکر مثال. به همین دلیل منظور از ذکر مثال، غالباً مثال نقضی می‌باشد. با جستجو در آیات قرآن کریم، می‌یابیم سراسر این کتاب مآمال از دفاع از آموزه‌های دینی است. این دفاع به روش‌های بسیار و متنوعی می‌باشد. در این مقاله پس از اینکه روش‌های علامه شعرانی را بر قرآن تطبیق کردیم، نشان دادیم که همه این روش‌ها در قرآن نیز به کار رفته است. هر چند همه آن‌ها موثر هستند ولی برای تاثیرگذاری بیشتر، هر کدام از آن‌ها در موقعیت خاص خود به کار گرفته می‌شوند. دریافته‌ایم در شاهد مثال‌های قرآنی ممکن است در یک مثال، هم روش سوال و هم روش تضاد داشته باشیم یا هم روش سوال و هم نقد و رد شبهه داشته باشیم و منافاتی ندارد که برخی از روش‌ها با همدیگر به کار گرفته شوند. در میان روش‌ها در قرآن کریم، روش هشدار دهنده از جایگاه خاصی برخوردار است و زیاد استفاده شده است. روش سوال و مثال هم می‌توان از مصادیق آن دانست زیرا در بسیاری از موارد، مخاطب ما اصل مطلب را می‌داند و حتی به آن یقین دارد همانطور که فرمود و

«جَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل/ ۱۴) ولی از روی ظلم و برتری جویی آن را انکار می‌کنند یا نسبت به آن غفلت دارد همانطور که فرمود: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ» (یونس/ ۹۲) بسیاری از مردم نسبت به آیات ما غفلت دارند. پس بیش از اینکه نیاز به بیان کردن داشته باشند، نیاز به بیدار کردن و هشدار دادن دارند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس، احمد بن ابن فارس، (۱۳۸۵)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر.
۴. احمد بن محمد، فیومی، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، موسسه دار الهجره.
۵. اسماعیل بن عباد؛ صاحب بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتاب.
۶. افرام، فواد، (بی تا)، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی، تهران، انتشارات اسلامی.
۷. برنجکار، رضا، (۱۳۹۸)، «روش شناسی علم کلام»، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت و پژوهشگاه قرآن و حدیث.
۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
۹. دشتی، محمد، (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م)، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر.
۱۲. سبزواری، ملاهادی، (۱۳۶۲)، «اسرارالحکم»، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۳. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۶۳)، راه سعادت، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابخانه صدوق
۱۴. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۸۶)، «پژوهش های قرآنی»، چاپ دوم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۵. شعرانی، ابوالحسن، (بی تا)، «رساله ما بعد الطبیعه»، مجله نور علم.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین (ع).
۱۸. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران.
۱۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی-الأصول و الروضة، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۲۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا.
- ۲۲.

Allama Sharani's Method in Defending Doctrinal News (With Attention to Quranic Verses)

Somayeh Haji Kazem*³ Dr. Ebrahim Noui⁴

Abstract

The place of defense of Beliefs in Doubts and beliefs against religion is a final duty for a theologian. We should do this after expressing differences of doubt, questions, opposing beliefs, the benefit of methods defense of beliefs. The doubts, unlike opposing beliefs, certainly are biased, and opposing beliefs create doubts, and if they are biased, their origin is in doubts, too. We benefited from descriptive and analytical methods for the search methods of the defense of beliefs of Abolhasan Sharani's effects. Although the method's basis is taken from Ravesh Shenasi Elme Kalam Booke and then adapted to Sharani effects. However, we added some of them. Like the sync with the audience and self-destruction in rejecting doubts and lack of intellectual exclusion in rejecting opposing beliefs. We brought all the method examples too. After searching for methods and comparing them with each other, it was found in addition to the doubts, the rejection methods are used in the beliefs question too. Some of them are common with opposing beliefs, reject methods and some of them are different. All of Allameh Sharani's methods have also been used in the Quran. And the warning method has been used more than the others. We may find more than one method when examining an example.

Keyword: Allameh sharani, Doubt, Opposing beliefs, Defense, beliefs, Quran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

³ Master's degree in Philosophy and Theology, Shahid Beheshti University; s.hajikazemi451@gmail.com

⁴ Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Beheshti University; E_noei@sbu.ac.ir